

بررسی علل و انگیزه‌های فرار دختران از خانه

از: داود جشان

چکیده:

از رنج‌هایی که اجتماع امروز ما با آن دست به گریبان است، فرار دختران به علل و انگیزه‌هایی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. براساس آمار موجود در ۱۱ ماهه سال ۱۳۷۹ تعداد ۹۸۴ نفر دختر در شهر تهران بزرگ از خانه، متواری شده‌اند. به منظور یافتن انگیزه‌های گریختن از خانه از یکصد و بیست دختر فراری، پرسشنامه‌هایی تنظیم شده که نتایج بدست آمده از این جامعه آماری بیانگر این است که:

میانگین سنی آنان ۱۹ سال می‌باشد، ۲۴ درصد آنان محصل، ۷۳ درصد بدون شغل و ۳ درصد شاغل بوده‌اند، میزان تحصیلات جامعه آماری ۲ درصد بی سواد، ۱۱ درصد ابتدایی، ۵۱ درصد راهنمایی و ۳۶ درصد متوسطه بوده است، از نظر اقتصادی ۹۴ درصد آنها از وضع مناسب و مطلوبی برخوردار بوده‌اند؛ ۴۳ درصد انگیزه فرار را، داشتن دوست پسر و ۳۴ درصد بدرفتاری والدین ذکر کرده‌اند؛ ۶۷ درصد آنها بعد از فرار با مردان غریبه و نامحرم بسر برده‌اند و ۴۷ درصد آنها مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند؛ ۷۷ درصد جامعه آماری برای اولین بار بوده که دست به چنین عملی زده‌اند و ۲۳ درصد فرار از خانه را برای چندمین بار تکرار کرده‌اند؛ ۹۰ درصد آنان، حجاب انتخابی شان مانع بوده است و ۷/۵ درصد چادر و ۲/۵ درصد گاهی چادر و گاهی مانتو.

کلیدواژه‌ها:

فرار دختران / Girl's escaping / انحرافات اجتماعی / Social deviances
خانه گریزی / Escaping from home / تهران بزرگ / The Great
Tehran سوء رفتار جنسی / Sexual abuse



◀ روند رو به افزایش فرار دختران از خانه با توجه به آمار که در سال ۱۳۷۸، ۹۳۶ نفر بوده و در ۱۱ ماهه سال ۱۳۷۹ به ۹۸۴ نفر افزایش یافته، بر نگرانیهای خانواده‌ها افزوده است و تبعات منفی آن تأثیرهای بسیار سوء و نامطلوب بر محیط گرم خانواده می‌گذارد که یا به نسبتی جبران می‌شود و یا هرگز قابل جبران نیست. بروز ناراحتیهای روحی و روانی، که بیماریهای جسمی را نیز در پی خواهد داشت، جامعه را دچار آسیب پذیری می‌نماید؛ زیرا جامعه تشکیل شده از خانواده‌ها که یک نیاز طبیعی و ذاتی آنها را در کنار هم گرد آورده، با فرهنگ حاکم بر جامعه ما، فرار فرزندان، بویژه دختران از چنان آسیبهای اجتماعی و خانوادگی برای خانواده‌ها برخوردار است که هیچ چیز دیگری نمی‌تواند چنان ضربه‌ای مهلک بر پیکر آنها وارد نماید؛ در این صورت خانواده همه چیز خود را که در طول سالیان زندگی کسب کرده در معرض فنا و نابودی می‌بیند؛ آبرو، حیثیت، غرور و هر آن چیزی که مایه مباهات و سربلندی او در اجتماع بوده از دست رفته می‌پندارد. ضررهای مالی قابل جبران است و ضررهای جانی، مثل فوت عضوی از خانواده شاید نتواند چنان تأثیری سوء باقی بگذارد، به خصوص آثار آشفستگی روحی و روانی بر خود دختر بیش از خانواده خواهد بود. دختری که بعد از فرار، گرفتار افراد خیانتکار شده و احیاناً مورد سوء استفاده قرار گرفته، سرنوشت او از زمان فرار طور دیگری رقم خواهد خورد؛ شاید تصمیمی بگیرد که از تصمیم اول او که فرار از خانه بوده، زیانبارتر باشد و خود را در باتلاقی غرق کند که نجات او به مراتب سخت‌تر باشد.

از این رو در تحقیقی، علل و انگیزه‌های فرار دختران از خانه مورد بررسی قرار گرفت که مشروح آن در قالب روش تحقیق در اختیار مدیریت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی قرار گرفته و در آن به شناخت علل و انگیزه‌ها، راههای پیشگیری، توصیه‌هایی به خانواده‌ها، و راههای ترمیم جبران خسارت وارده از

نظر روحی و روانی پرداخته شده که در این فرصت به خلاصه‌ای از آن اشاره می‌شود.

بحث

آیا رفتار خانواده‌ها با دختران جوان، نقش و تأثیر در فرار آنان از خانه دارد؟ مسلم است که والدین و سایر اعضای خانواده اعم از برادران و خواهران بزرگتر در تربیت فرزندان و شکل‌گیری شخصیت آنها نقش مهم و اساسی دارند، شخصیت هر انسانی از کودکی در خانواده شکل می‌گیرد، از این رو والدین در تربیت فرزندان، خود مسؤولیت سنگین و مهمی را بر دوش دارند، به خصوص توجه به دوران کودکی و نوجوانی که دوران بحران روحی جوانان است از اهمیت خاصی برخوردار است و خانواده، محکمترین سنگر برای جلوگیری از سقوط نوجوان می‌باشد. والدین به حکم وظیفه‌ای که به عهده دارند، موظفند محیطی آرام و با ثبات برای فرزندان خود فراهم نمایند و با تدبیر صحیح، طرح و نقشه‌ای برای تربیت فرزندان و احیاناً بازسازی آنان داشته باشند، و در این راه خانواده‌ای موفق است که فرزندان خود را بسازد و رفتار آنها الگوی خوبی برای فرزندان خود باشد. چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم» - «فرزندان خود را محترم بدارید و آنان را با آداب خوب و ملکات پسندیده پرورش دهید».

کسانی که در کودکی و نوجوانی خوب تربیت شده باشند؛ در جوانی و بزرگسالی روزگار را با خوشبختی و سعادت طی خواهند کرد؛ برعکس افرادی که از تربیت صحیحی برخوردار نبوده‌اند در جوانی و بزرگسالی نمی‌توانند خود را با هنجارهای جامعه تطبیق دهند و اغلب در رفتارهای اجتماعی با شکست و ناکامی روبرو می‌شوند.

در این تحقیق، طی هفت ماه از اسفند سال ۱۳۷۸ الی شهریور ۱۳۷۹ از

یکصد و بیست نفر دختر جوان مجرد به عنوان جامعه آماری پرسشنامه تنظیم گردید که سؤالیهای آن به صورت باز و بسته مطرح شده است و هدفمان از آن، شناخت آسیبهای رفتاری خانواده بر روی دختران جوان که موجب فرار آنان از خانه می شود، بوده است.

آنچه که از اطلاعات پرسشنامه ها بدست آمده این است که در این جامعه آماری افرادی از سن ۱۳ تا ۲۷ سال اقدام به فرار از خانه نموده اند که میانگین نسبی سن آنان ۱۹ سال می باشد.

ملاحظه می کنید ۱۳ سالگی آغاز دوران نوجوانی است و فرد هنوز در حال و هوای دوران کودکی بسر می برد و به جهت رفتار نامطلوب والدین، چه تبعات سویی بر سرنوشت این نوجوان باقی خواهد ماند و از آنجایی که اطلاعات داده ها بیان می کند ۹۰ درصد جامعه آماری، مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند و از ۴۷ درصد آنها ازاله بکارت شده، با توجه به فرهنگ حاکم بر جامعه ما، ملاحظه می شود که چه سرنوشتی در انتظار این دختران می باشد، حداقل آن انگ و برچسب منحرف به آنان زده خواهد شد و همیشه مورد سرزنش و نکوهش قرار خواهند گرفت؛ بنابراین والدین بسیار باید مراقب رفتار خود باشند و طرز تربیت فرزند را بدانند.

مشکلی که در خانواده جامعه آماری برای تربیت صحیح فرزندان وجود دارد، عدم سطح سواد مناسب در والدین می باشد. ۵۳ درصد پدران و ۶۳ درصد مادران یا بی سواد هستند و یا سواد آنها در حد خواندن و نوشتن است. فقط ۸ درصد پدران و ۱ درصد مادران از تحصیلات عالی برخوردار می باشند؛ بنابراین والدین قادر نخواهند بود از طریق مطالعه کتابهای مربوطه با الگوهای رفتاری و چگونگی تربیت فرزندان آشنا شوند. از این رو ۷۵ درصد دختران جامعه آماری یا ترک تحصیل کرده اند و یا بعد از پایان تحصیلات متوسطه ادامه تحصیل نداده اند و تحصیلات هیچ یک از افراد جامعه آماری در مقطع عالی

نبوده است؛ بنابراین بی سوادی و کم سوادی والدین و به تبع آن فرزندان، عامل مهمی در عدم تربیت صحیح آنان گردیده و نقش مهمی در فرار دختران از خانه ایفاء نموده است، لذا می‌توان گفت یکی از محورهای علت فرار دختران از خانه، ترک تحصیل و ماندن آنها در خانه بوده است.

محور و علت مهم دیگری که می‌توان در این ارتباط بر شمرد و به چگونگی تربیت صحیح و نظارت والدین باز می‌گردد، اختیار نمودن دوست پسر توسط دختران جامعه آماری می‌باشد، ۴۳ درصد آنها انگیزه فرار خود را داشتن دوست پسر و فرار به همراه او مطرح کرده‌اند. به هر حال دختری که ترک تحصیل کرده و یا در مقطع بالاتری ادامه تحصیل نداده است و هیچ شغلی هم در خارج از خانه ندارد و همیشه با مادر خود بوده، (۹۶ درصد مادران خانه دار می‌باشند) مراوده او با دوست پسرش، نمی‌توانسته از دید مادر به دور باشد، بنابراین مادر بایستی او را با منطق و دلیل راهنمایی کند نه اینکه با بدرفتاری و خشونت و سختگیری، عرصه را بر او تنگ کند؛ زیرا که ۳۴ درصد از افراد جامعه آماری بدرفتاری والدین را انگیزه فرار خود بیان نموده‌اند.

شاید که یکی از دلایل عدم تربیت صحیح فرزندان، کثرت آنان و پرجمعیت بودن خانواده و زیادی اولاد بوده باشد؛ اما در این تحقیق ملاحظه شد که زیادی تعدد خواهران و برادران، عامل مثبتی در جلوگیری از فرار دختران بوده، که شاید دلیل آن تأسی به آنان و مشورت با آنها بوده است که خواهر خود را از اقدام به چنین عملی باز می‌داشته‌اند. بنا به اطلاعات این تحقیق، بیشتر فرار دختران در خانواده‌های کم جمعیت به چشم می‌خورد؛ حتی خانواده‌های تک فرزندی نیز در بین آنان دیده می‌شود.

نکته دیگری که قابل ذکر است برخوردار بودن جامعه آماری از نعمت پدر و مادر و همچنین برخوردار بودن از وضعیت مطلوب و مناسب اقتصادی بوده است. از جامعه آماری ۵ درصد پدران و ۸ درصد مادران خود را از دست داده

بودند و مابقی در قید حیات و همراه خانواده بسر برده‌اند.

متارکه والدین نیز در بین جامعه آماری بجز یک مورد مشاهده نمی‌شود؛ بنابراین جامعه آماری همواره در کنار والدین خود بوده‌اند و از بهره‌های مادی زندگی نیز برخوردار بوده‌اند؛ و از این لحاظ کمبودی در بین نبوده؛ آنچه که باقی می‌ماند رفتار و تربیت والدین می‌باشد. عدم اعتیاد والدین را نیز می‌توان به آن افزود که خانواده دچار آن نبوده است.

از بین جامعه آماری ۴ درصد آنان برای یک روز خارج از خانه بسر برده‌اند و مابقی، یعنی ۹۶ درصد آنها، از دو روز حتی تا دو سال هم به طول انجامیده، آنانی که بیش از یک روز در خارج از خانه بوده‌اند دچار مشکلات عدیده‌ای شده‌اند از جمله مورد سوء استفاده مردان قرار گرفته حتی تعدادی از آنان مجبور شده‌اند از همین راه ارتزاق نمایند؛ بنابراین لازم است بعد از ترک خانه توسط فرزندان، خانواده‌ها به هر نحو که شده، در پی آنان باشند تا بتوانند آنها را بیابند و به خانه بازگردانند.

مانع مهمی که در راه بازگشت دختران فراری به خانه وجود داشته، (۵۵ درصد قصد بازگشت داشته‌اند) ترس از خانواده بوده است. ۴۵ درصد به خاطر بیزاری از خانواده به طور کل تصمیم به بازگشت نداشته‌اند؛ بنابراین ملاحظه می‌شود محیط خانوادگی چقدر عذاب آور بوده که یا تصمیم به برگشت نداشته‌اند و یا اگر هم داشته‌اند از والدین می‌ترسیده‌اند. بعضی از خانواده‌های جامعه آماری از فرار قبلی درس عبرت نگرفته‌اند؛ از این رو ۲۳ درصد آنان برای چندمین بار اقدام به فرار از خانه نموده‌اند. در اینجا نیز مسؤلیت خانواده سنگین تر از قبل می‌شود که نتوانسته‌اند تأثیرگذار در رفتار و تصمیم فرزند خود باشند. علاوه بر آن، ۲۰ درصد جامعه آماری علاوه بر فرار قبلی، در ارتباط با مسایل منکراتی در مراجع انتظامی و قضایی دارای سوابق سوء بوده‌اند. نکته در خور تأمل آن است که ۹۰ درصد جامعه آماری، مانع را به عنوان

حجاب خود انتخاب کرده‌اند. ۸۳ درصد جامعه آماری گمانِ سرنوشت ناگواری را در فرار خود پیش بینی نمی‌کرده‌اند؛ البته این طبیعی است زیرا شرایط سنی آنان اقتضا نمی‌کند که از تجربه‌های لازم زندگی برخوردار باشند، سردی و گرمی روزگار را چشیده باشند، دامها و فریبهای اجتماع را بشناسند و قادر به رهاندن خود از ورطه‌های رسوایی و هلاک باشند. آنان در سنی هستند که نیاز به هادی و راهنما دارند و بدون مشاوره و هدایت نمی‌توانند راه صحیح زندگی خود را بیابند. همین که با قهر از خانه خارج می‌شوند و گرفتار نامحرمان می‌گردند پی به اشتباه خود می‌برند. آنان زمانی حال خود را می‌فهمند و به خود می‌آیند که کار از کار گذشته و روی بازگشت به خانه را ندارند و گرفتار شده‌اند. ۱۷ درصدی هم که پیش بینی چنین سرنوشتی را داشته‌اند، بهر حال محیط خانواده برای آنان به هر دلیل غیرقابل تحمل بوده و از آن پا به فرار گذاشته‌اند.

جامعه مورد مطالعه به این سؤال که فرار از خانه نتایج مثبتی هم برای شما در پی داشته؟ ۲۳ درصد پاسخ آری داده‌اند که بعضی از پاسخها چنین است:

- اینکه به هیچ کس اعتماد نکنم؛

- می‌خواستم پدرم یا دیگر خواهرهایم مهربان باشد؛

- قدر پدر و مادر را فهمیدم؛

- هیچوقت از خانه فرار نکنم؛

- تنهایی از منزل بیرون نروم؛

- در انتخاب دوست دقت کنم؛

- تا حدودی خودم را شناختم؛

- در زندگی بخودم متکی باشم.

۷۰ درصد از جامعه آماری که نتیجه منفی از اقدام خود بدست آورده‌اند

برخی پاسخهای آنان چنین است:

- زندگی سیاه شده؛



- اعتبارم را در خانواده از دست داده‌ام؟

- ناامیدی؟

- آبرویم رفته؟

- بدنامی؟

- هم خودم را بدبخت کردم و هم خانواده‌ام را؟

- این که به ازدواج مردی که زن و بچه داشت درآمد؟

- همه دربارم بد فکر می‌کنند؟

- سرزنش می‌شوم؟

- آینده‌ام خراب شد؟

- یک عمر شرمندگی؟

- همیشه دلشوره دارم که همسر آینده‌ام روزی بفهمد.

از جامعه آماری مورد مطالعه سؤال شد که چه توصیه‌هایی به دیگران

دارید تا به سرنوشت شما دچار نشوند؟ برخی از پاسخها ذکر می‌شود:

- زود تصمیم نگیرند؟

- خوب فکر کنند و بعد تصمیم بگیرند و گول کسی را نخورند؟

- پدران و مادران با فرزندان خود راحت باشند؟

- عاقبت فرار از خانه پشیمانی است؟

- گول دوست پسرها را نخورند؟

- دنبال مردها نروند؟

- اگر کسی را دوست دارند به خانواده خود بگویند؟

- تنهایی جایی نروند؟

- والدین به نظریات فرزندان توجه کنند؟

- فرار عاقبتی ندارد، مردها آنها را برای خوش گذرانی می‌خواهند؟

- سوار هر ماشینی نشوند و گول هرکسی را نخورند؟

از آن دسته از جامعه آماری که نتیجه حاصله منفی را در عمل خود اعلام نموده‌اند، سؤال شده که چه انتظاری از دیگران، بخصوص خانواده خود دارید که آثار سوء این عمل برطرف گردد؟ قسمتی از انتظارات چنین است:

- دوست دارم کارم را زیاد به رخم نکشند؛
- دوست دارم این موضوع در خانواده یک راز باشد؛
- سرزنشم نکنند شاید فراموش کنم؛
- مرا ببخشند؛
- با نگاه به من نظر نداشته باشند؛
- کمک کنند؛
- به من فحاشی نکنند؛
- به حرف بچه‌ها گوش کنند؛
- مرا درک کنند؛
- به فرزندان نزدیک باشند؛
- رضایت دهند که من به عقد کسی که دوستش دارم دربیایم؛
- به درد دل ما توجه کنند؛
- بد اخلاقی نکنند؛
- کتکم نزنند؛
- عمل مرا یک فریب خوردگی بدانند.

مشروح پاسخهای ارائه شده در اصل تحقیق، که در اختیار مدیریت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی می‌باشد، خوانندگان را به آن ارجاع می‌دهد.

کاربرد

با توجه به آمار قابل توجه فرار دختران از خانه که خانواده‌ها را تهدید می‌کند، بر آن شدیم که علل وانگیزه‌های آن مورد بررسی و مطالعه قرارگیرد تا با

شناخت آن بتوانیم راه کار مناسبی اتخاذ کنیم. راه‌حلهای کاربردی به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- ارائه راه کار تربیتی به خانواده در برخورد با فرزندان و تربیت آنان از طریق مبادی ذریبط.
- ۲- هشدار به متولیان فرهنگی کشور در جلوگیری از گسترش فرهنگ دوستی بین پسران و دختران.
- ۳- آگاهی به مسؤولان فرهنگی و خانواده‌ها در عدم سختگیری در ازدواج جوانان.
- ۴- هشدار به مسؤولان آموزش و پرورش در خصوص نقش مهم تربیتی و پرورشی دانش آموزان که بر عهده آنان است.
- ۵- آگاهی معلمان دلسوز به شناسایی دانش آموزانی که در محیط خانواده دارای مشکلات روحی می‌باشند و راهنمایی آنان.
- ۶- آگاهی دختران جوان از سرانجام و عاقبت فرار از خانه، که به اصطلاح از چاله درآمدن و در چاه افتادن است.
- ۷- آگاهی به نیروی انتظامی در نحوه برخورد صحیح، اصولی و منطقی با این گونه دختران، که از عواطف حساسی برخوردار می‌باشند.
- ۸- آگاهی به نیروی انتظامی در خصوص مسؤولیت شناسایی این گونه دختران که در خیابانها و پارکها بی هدف پرسه می‌زنند و تحویل آنها به خانواده.
- ۹- هشدار به مقامات قضایی در ظرافت برخورد با دختران نوجوان و جوان به عنوان داشتن مسایل منکراتی که موجب انگ خوردن آنها را فراهم می‌نماید.
- ۱۰- هشدار به مقامات قضایی در مجازات بعضی از دختران فراری که مطابق قانون مرتکب جرم شده‌اند و مستحق مجازات می‌گردند.
- ۱۱- در نهایت حفظ خانواده‌ها از گسبختگی، که انسجام جامعه را در پی خواهد داشت.

پیشنهادات

- ۱- تولید برنامه‌های آموزشی در نحوه تربیت فرزندان و پخش آن از طریق صدا و سیما.

- ۲- زمینه سازی رشد اخلاقی نوجوانان و جوانان براساس معیارهای صحیح اسلامی و ارزشی توسط متولیان مذهبی و فرهنگی.
- ۳- ایجاد مراکز مشاوره و دسترسی آسان به آن برای دختران و خانواده‌ها.
- ۴- ایجاد امکانات جداسازی متهمان کم سن و سال از بزرگسالان در بازداشتگاههای موقت.
- ۵- فعالیت نمودن نقش مربیان و معلمان در مدارس در توجه به دانش آموزانی که در محیط خانوادگی دارای مشکلات روحی می‌باشند.
- ۶- کنترل و نظارت والدین بر دوستان فرزندان و یاری آنان در انتخاب دوست.
- ۷- توجه به تأثیرپذیری فرزندان در مراجعه به خانه.
- ۸- توجه به درسهای فرزندان و سعی در جلوگیری از ترک تحصیل با ملامت و ملامت.
- ۹- فراهم نمودن زمینه ازدواج برای جوانان و برطرف نمودن موانع آن.
- ۱۰- عدم سختگیریهای بی مورد در مورد ازدواج با فرد دلخواه توسط فرزندان.
- ۱۱- چنانچه فرزندی با قهر خانه را ترک کرد، خانواده‌ها سعی نمایند هرچه زودتر او را متقاعد به بازگشت نمایند.
- ۱۲- به کارگیری روانشناسان مجرب در نیروی انتظامی به منظور تعدیل نمودن تألمات روحی دختران فراری و خانواده آنان برای جلوگیری از عواقب ناگوارتر.
- ۱۳- به کارگیری بانوان کارمند مجرب در نیروی انتظامی برای برخورد با این افراد به منظور ایجاد محیط و شرایط مناسب و الگو نمودن آنان برای چنین افرادی. ▶

منابع تحقیق

- ۱- ستوده، هدایت الله. آسیبهای اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). انتشارات آوای نور، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
- ۲- دانش، تاج الزمان. مجرم کیست. جرم‌شناسی چیست. انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ۳- پارسا، محمد. روان‌شناسی رشد کودک و نوجوانان. انتشارات بعثت، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
- ۴- رشیدپور، مجید. مبانی اخلاقی سیاسی. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- ۵- فرجاد، محمد حسین. آسیب‌شناسی اجتماعی، ستیزه‌های خانواده و طلاق. انتشارات منصوری، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۶- رشیدپور، مجید. مبانی اخلاقی اسلامی. انتشارات کلینی. چاپ چهارم، سال ۱۳۷۲.

